فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی سوم، شماره‌ی٤، بهار ٩٤، صفحات ٢٥-٤٥

مشارکت در امور خیریه و وقف، پیش درآمدی بر توسعه‌ی پایدار

محمد گنجی[1]، محسن نیازی[2]، فاطمه احسانی راد[3]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۰۵

چکیده

امروزه مشارکت یکی از عناصر مهم توسعه‌ی پایدار به شمار می‌رود و مدیران و برنامه ریزان توانمند شهری، همواره سعی می‌کنند تا با جلب مشارکت مردمی به اهداف خود در زمینه‌ی اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها به بهترین نحو، نائل آیند. در این راستا، مقاله‌ی حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در امور خیریه به ویژه وقف پرداخته است. روش تحقیق در این پژوهش، روش پیمایشی بوده و حجم نمونه ۲۶۳ نفر از شهروندان کاشانی۳۴ سال به بالا را شامل می شود که به شیوه‌ی نمونه گیری سهمیه‌ای در ناحیه‌های تعیین شده، مورد بررسی قرار گرفته اند. ابزار سنجش پرسش‌نامه بوده و برای اخذ روایی، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. یافته‌های پژوهش رابطه‌ی معنادار و مستقیم بین متغیّرهای دین‌داری، عدالت‌خواهی، انسجام اجتماعی، اعتماداجتماعی، تعلق و تعهد اجتماعی با مشارکت در امور خیریه و وقف را نشان داده‌اند. به این معنی که هر چه آن عوامل در بین مردم قوی تر باشند، مشارکت مردم در نیکوکاری و به طور خاص وقف نیز بیش‌تر می‌شود. هم چنین ضرایب رگرسیون چند متغیّره نشان می‌دهد که از میان عوامل شناخته شده، عامل‌معنوی باضریب بتای(۰/۲۷۳)، روحیه عدالت‌خواهی با ضریب بتای(۰/۲۹۱) و انسجام‌اجتماعی با ضریب بتای(۰/۱۷۶)، ۳۵ درصد از واریانس نیکوکاری را تبیین می‌کنند؛ به طوری‌که متغیّر عدالت خواهی، بیش‌ترین نقش را در تبیین نیکوکاری دارد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت در امور خیریه، وقف، دینداری، عدالت‌خواهی، هم‌بستگی اجتماعی، اعتماداجتماعی، تعلق و تعهد اجتماعی.

[1] دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان m.ganji@kashanu.ac.ir

[2] استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان niazim@kashanu.ac.ir

[3] کارشناس ارشد رشته‌ی مطالعات فرهنگی دانشگاه کاشان f1_ehsani@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

مقدمه

در جهان امروز مشارکت گسترده‌ی مردم در تمامی فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یکی از ملزومات دستیابی به توسعه‌ی پایدار به‌شمارمی‌رود (رحیمی و یزدخواستی، ۱۳۹۱: ۳۲۱)؛ به این معنا که داشتن برنامه‌ی مناسب و منابع کافی گرچه از نیازهای رسیدن به توسعه‌ی پایدار است، همه‌ی آن‌ها بدون وجود یک عزم قوی و مشارکت فراگیر آحاد جامعه در پیشبرد برنامه‌های توسعه، توفیق آن جامعه را در نیل به اهداف طراحی شده با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد. بنابراین، مشارکت از مباحث اساسی توسعه است که زمینه‌ی رشد و تعالی آن از فرهنگ هر اجتماع برمی‌خیزد (صحرانورد و اسدی، ۱۳۹۱: ۶۴۱).

هرجامعه‌ای متناسب با نظام فرهنگی خود، نوع ویژه‌ای ازمشارکت مردمی را داراست. بر این مبنا در جامعه‌ی ایران، غالب اشکال مشارکت‌های مردم در بافت و ساختار ارزش های مذهبی صورت‌گرفته است و اصیل‌ترین احساسات، عواطف و خواست‌های ایرانیان ریشه در باورها و ارزش‌های مذهبی دارد (مسجدجامعی، ۱۳۷۷ :۲۲۲). مشارکت و یاری‌گری در فرهنگ ایرانی و اسلامی با تأکید بر جنبه‌های روانی و معنوی و رشد شخصیت باعث پیدایش و آفرینش دانش و آگاهی شده است و در از بین بردن دشواری‌ها و گشودن مرزهای بسته به راه‌های تازه کمک می‌نماید (آغاز، ۱۳۸۱: ۲۲۷).

با نگاهی گذرا به منابع اسلامی نیز درمی‌یابیم، اعمالی که از نظر اسلام نیک شمرده شده‌اند، اعمالی هستند که خیرخواهی و دیگر خواهی در آن بروز و ظهور دارد و به نوعی منفعت دیگران در آن نهفته است.

یکی از برترین آموزش‌های عملی اسلام که در ارتباط با دیگران است، سنت حسنه‌ی «وقف» است. وقف از انواع امورخیریه و داوطلبانه است که برای برخوردار کردن دیگران از اموالِ شخصیِ توانمندان که درحقیقت، نوعی تعدیل ثروت و توزیع درآمد است، به وجود آمده‌است (ناصحی و شادپی، ۱۳۸۷: ۱۵۸). در این راستا، وقف می‌تواند در همراهی مردم با فرایند توسعه نقش مهمی را ایفا کند. چرا که قادر است توده هایی فاقد بهره‌مندی از درآمدهای جامعه را با یک توزیع مجدد داوطلبانه‌ی درآمد، بهره مند سازد و فرصت و قدرت اندیشیدن، درک منافع بلند مدت جامعه و در نتیجه هم سویی با برنامه‌های توسعه را در آن‌ها ایجاد کند (صحرانورد و اسدی، ۱۳۹۱: ۶۴۰).

علاوه بر این، شهر کاشان با پیشینه‌ی تاریخی و اجتماعی هفت هزار ساله، مهد کهن‌ترین تمدن بشری دانسته می‌شود (قرائتی، ۱۳۸۸: ۴۳). این شهر به دلیل وجود اماکن و مجموعه‌های عظیم

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

مذهبی و فرهنگی هم‌چون زیارت‌گاه‌ها، مساجد، حسینیه‌ها و تکایای متعدد، از ارادت دیرینه و خالصانه‌ی مردمان آن به دین اسلام و مذهب تشیع حکایت می‌کند. سابقه‌ی مدنیت و رواج علم و هنر و صنعت، این شهر را در ادوار مختلف تاریخی در زمره‌ی شهرهای آباد قرار داده و مفاسدی چون دزدی، راه زنی، قتل و غارت، کشمکش‌های قبیله‌ای و طایفه‌ای، دسته بندی‌های نژادی و زبانی، جهل عمومی و بی‌سوادی و دیگر معایبی که ممکن بود در دیگر شهرها یافت شود در تاریخ کاشان کمتر به‌چشم می‌خورد (همان: ۴۴). بنابراین از یک سو، با توجه به ویژگی های شهر کاشان به لحاظ تاریخی و مذهبی و از سوی دیگر، از آن‌جا که مشارکت مردم در امور خیریه و به طور خاص وقف، تابعی از عوامل متعدد اجتماعی و فرهنگی است، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در امور خیریه و وقف، ضرورت خاصی پیدا می‌کند که پژوهش حاضر قصد دارد تا با تحلیل وضعیت مشارکت مردم در امور خیریه و وقف برخی از مهم‌ترین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر امور خیریه را در شهر کاشان مورد بررسی و کنکاش قرار دهد.

پیشینه‌ی تحقیق

در رابطه با نیکوکاری و اقسام آن به ویژه وقف، تحقیقات بسیاری صورت گرفته‌است، لیکن در زمینه‌ی عوامل تأثیرگذار بر امر نیکوکاری تا کنون تحقیق جامعی صورت نگرفته است. در این ارتباط، پژوهش «تبیین وضعیت یکوکاری در بین شهروندان کاشانی» توسط گنجی و الماسیبیدگلی(۱۳۹۱) بیانگر این است که میانگین نیکوکاری در بین شهروندان، بالاتر از حد متوسط است و با متغیّرهایی چونمشارکت‌اجتماعی، عدالتگرایی و شبکه‌ی روابط اجتماعی رابطه‌ی مستقیم و مثبت دارد. از سویدیگر، با افزایش صفت نیکوکاری در جامعه شاهد بروز و ظهور هیجانات و احساسات خوشایند به ویژه احساس شادی و نشاط در بین شهروندان هستیم(گنجی و الماسی بیدگلی، ۱۳۹۱: ۹۲۵).

از سوی‌دیگر، پژوهشی با عنوان«تأثیر میزان پایبندی مردم به ارزش‌ها بر مشارکت آن‌ها درامورخیریه» توسط نیازی، گنجی و عسکری(۱۳۹۱) نشان داده است بین عمل به ارزش‌ها و هنجارها به ویژه ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی از سوی مردم با مشارکت پاسخ‌گویان در امور خیریه و عام‌المنفعه رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. به عبارت دیگر، پاسخ‌گویانی که معتقدند مردم به ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی در جامعه بیش‌تر پایبندند، مشارکت آن‌ها در امورخیریه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

بیش از کسانی است که چنین اعتقادی ندارند (نیازی و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۵۳). به این معنی که احساس مثبت و خوشایند نسبت به جامعه باعث عمل توأم با نیکوکاری توسط جامعه می‌شود.

سارا بریتو[1] و همکاران(۲۰۱۱) در مطالعه‌ی خود با عنوان «ترس زنان از جنایت»که رفتار۲۳۶۱ نفر از ۲۰ استانِ کانادا را مورد مطالعه قرار داده‌اند، نشان می‌دهند که زنان بیش‌تر ازمردان از جرم و جنایت واهمه دارند و عواقب ارتکاب جرم در روحیه‌ی آنان خیلی بیش‌تر از مردان است. این ترس در زنان اغلب به تحریک رفتارهای خوب و نوع دوستانه و داوطلبانه منجر می‌شود و هم‌چنین، باعث صرف زمان و هزینه‌های بسیاری از جانب آنان در سازمان‌های خیریه و داوطلبانه می‌گردد. نویسندگان در این پژوهش خاطر نشان کرده اند که این مسأله با جنسیت بسیار مرتبط بوده و مشاهده شده‌است که در زنان رفتارهای نوع دوستانه بیش‌تر از مردان است (بریتو، ۲۰۱۱: ۴۱۴).

جکسون[2] و همکاران (۱۹۹۵) نیز در پژوهشی تحت عنوان کمک‌های داوطلبانه و خیریه: آیا مذهب و روابط اجتماعی موجب ارتقای رفتارهای داوطلبانه می‌شود؟ به بررسی تأثیر مذهب در میزان رفتارهای داوطلبانه در بین مردم هند پرداخته‌اند. در این مطالعه ۸۰۰ شهروند هندی شرکت داشته‌اند. نویسندگان با این بررسی به این نتیجه رسیده‌اند که گروه‌های مذهبی و مخصوصاً گروه‌هایی که با کلیسا مشارکت دارند، در امور داوطلبانه و بشردوستانه بیش‌تر از افراد غیر مذهبی شرکت می‌کنند (جکسون و همکاران، ۱۹۹۵: ۵۹).

وانگ وگرادی (۲۰۰۸)، پژوهشی تحت عنوان «بررسی روابط میان کنش داوطلبانه، سرمایه‌ی اجتماعی وکمک‌های خیریه انجام داده‌اند. این پژوهش از داده‌های ایالات متحده آمریکا، و بررسی انجمن بنچ مارک در مورد سرمایه‌ی اجتماعی ملی سال۲۰۰۰، استفاده کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی حاصل پل زدن میان شبکه‌های اجتماعی و مشارکت مدنی در دو گروه مذهبی و غیر مذهبی است. فعالیت‌های داوطلبانه و سرمایه‌ی اقتصادی تأثیر مهمی بر کمک‌های این دو گروه مذهبی و غیرمذهبی دارد و در نهایت کسانی که مذهبی هستند، بیش‌تر به طرف این کمک‌ها می‌روند. هم‌چنین، مطالعه‌ای توسط برگر(۲۰۰۶)، تحت عنوان «تأثیر مذهب روی فعالیت‌های خیریه در کانادا» انجام شده‌است. این مطالعه رفتارهای داوطلبانه و بشردوستانه از سوی جمعیت‌های مختلف مذهبی را با هم مقایسه و سپس به بازخورد این رفتارها

[1] Beritto,S
[2] Jackson

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

در مذاهب مختلف اشاره می‌کند. یافته‌های تحقیق تأثیر تعلقات و باورهای مذهبی را در گسترش فعالیت‌های خیریه و داوطلبانه تأیید می‌کند (وانگ و گرادی، ۲۰۰۸: ۲۳).

با توجه به پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی وقف و به‌طورکلی کمک‌های خیریه و داوطلبانه که در این بخش به برخی از آن‌ها اشاره شد، می‌توان گفت که این مقالات به تبیین کلی وضعیت نیکوکاری پرداخته‌اند. هم چنین، مقالاتی توسط نویسندگان خارجی در زمینه‌ی اقدامات داوطلبانه انجام شده که در اکثر این مقالات تنها به عامل مذهب به عنوان عامل تأثیرگذار برمشارکت در امور خیریه به ویژه وقف اشاره شده‌است. بنابراین، پژوهش حاضر قصد دارد تا عوامل مختلف و متعدد اجتماعی و فرهنگی را که می توانند در میزان مشارکت افراد در امور خیریه و وقف تأثیرگذار باشند، را شناسایی کرده و مورد بررسی قرار دهد.

چشم انداز نظری

قرآن کریم در باب گذرا بودن زندگی این جهانی، رفتار مسؤولانه‌ی انسان مسلمان در آباد ساختن دنیا و به سامان آوردن بی‌نظمی‌ها و کاستی‌ها و زندگی جاودان در جهان آتی می‌فرماید: انسان‌های نیکوکار که دل‌ها (و یا به عبارتی همان عقل‌ها و اندیشه‌هایشان) را از بدی‌هاحفظ می‌کنند، (متّقین یا) پرهیزگاران هستند و در معرفی پرهیزگاران این‌گونه می‌فرماید: «آن کسانی که به غیب ایمان دارند و نماز به پای می‌دارند و از هرچه روزی ایشان کردیم (به فقیران و درماندگان) انفاق می‌نمایند» (بقره/۳). بنابراین، کوشش برای رفع گرفتاری‌ها و مصائب دیگران نه تنها وظیفه‌ی هر فردی است، بلکه از بهترین و عالی‌ترین لذت‌های حیات به شمار می‌آید.

فعالیت‌های خیریه و نیکوکاری که در هر جامعه‌ای رخ می‌دهد همانند پدیده‌های دیگر، متأثر از عقاید، ارزش‌ها، فرهنگ و آداب و رسوم آن جامعه است. از این رو، یکی از جلوه‌ها و نمودهای مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های خیریه در فرهنگ اسلامی، سنت وقف است (صدیقی ارفعی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۳۸). مشارکت مردم در امور خیریه و به خصوص وقف را می‌توان به نوعی، کارآفرینی اجتماعی نامید. خمیرمایه‌ی این کارآفرینی اجتماعی، اقدام داوطلبانه و نوآورانه با تلفیقی از خیرخواهی است. این نوع ازکارآفرینان با انگیزه‌های نوع دوستانه و نیکوکارانه در راستای خدمت به دیگران، نوعی رضایت درونی حاصل می کنند و از حل مشکلات مردم و مشارکت در خدمت به هم‌نوعان، احساس شور و شعف می‌نمایند (آلورد[1]، ۲۰۰۴: ۲۶۲). بنابراین، انسان امروز

[1] Alvord

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

با همه‌ی فرهنگ‌ها و بینش‌های گوناگون خویش، وقف و بنیادهای وقفی و خیریه را پدیده‌ای سودمند و در مسیر رشد و تعالی تمدن انسانی و توسعه‌ی همه جانبه‌ی جامعه می‌شناسد و دریافته است که وقف و سایر امور داوطلبانه می‌تواند کارساز و سودمند باشد و در رشد و توسعه‌ی جامعه مؤثر افتد.

همان‌گونه که گذشت، مشارکت در امورخیریه و وقف عبارت است از: شرکت آگاهانه، داوطلبانه و مؤثر مردم در امور خیریه‌ی روستا، شهر و یا کشور خود به منظور رفع نیازهای سایر افراد یا رفع کاستی‌های موجود در جامعه.

از آن‌جایی که مشارکت در امور خیریه و به طور خاص وقف، تابعی از عوامل متعدد اجتماعی و فرهنگی است، در این بخش برخی از این عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر فرهنگ مشارکت در امور خیریه و وقف معرفی گردیده‌است.

شواهد نظری و تجربی نشان‌می‌دهند، کنش‌های خیرخواهانه‌ی انسان‌ها تا حدود زیادی ریشه در باورها و اعتقادات شهروندان دارد و باورهای فرهنگی و اجتماعی در گرایش‌های نوع دوستی و رفتارهای داوطلبانه و نیکوکارانه‌ی شهروندان مؤثر است. برگر[5] معتقد است شهروندانِ با اعتقادات مذهبی قوی در مقایسه با سایرین، مشارکت بیش‌تری در فعالیت‌های خیریه و کمک به قشرهای آسیب‌پذیر و نیازمند داشته‌اند (برگر[1]،۲۰۰۶:۱۳۱).

هم‌چنین وانگ و گرادی بر این باورند که باورهای مذهبی از عوامل تعیین کننده‌ی کنش‌های داوطلبانه و افزایش کمک‌های خیریه و بشردوستانه است. شهروندان معتقد به باورهای مذهبی تمایل بیش‌تری دارند تا کمک‌های خیریه شان را در اختیار قشرهای آسیب‌پذیر و معلولان قرار دهند (وانگ و گرادی[2]، ۲۰۰۸: ۳۹).

علاوه بر این، سالمون در یک بررسی تطبیقی، معتقد است که مکتب اسلام نسبت به بسیاری از مکاتب دینی دیگر، اهمیت زیادی به فعالیت‌های نوع دوستی و خیریه می‌دهد(سالمون[3]، ۱۹۹۷: ۶). بر این اساس به نظر می‌رسد بتوان گفت شهروندانی که به باورهای مذهبی بیش‌تر معتقد هستند، تمایل بیش‌تری دارند تا در امور خیرخواهانه و داوطلبانه و دگرخواهانه شرکت کنند. از سوی دیگر در قرآن کریم به طور مکرر به آیاتی برمی‌خوریم که بر مسأله‌ی نیکوکاری و احسان و کمک به فقرا و مستمندان و دستگیری مظلومان و ... تأکید می‌نماید. وقف نیز یکی از حسنات مؤکد و از

[1] Berger
[2] Wang and Graddy
[3] Salamon

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

باقیات و صالحات است که مورد تأکید آیین اسلام است. لذا ایجاد و بسط قسط و عدل، تعدیل ثروت‌های عمومی، کمک به در راه ماندگان و محرومین مادی و معنوی، یکی از شیوه‌های گسترش عدالت اجتماعی است (شکاری، ۱۳۹۱: ۵۸۳). امروزه برقراری عدالت اجتماعی و کاهش فواصل طبقاتی، رشد ثروت عمومی و تعدیل اقتصادی، رفاه همگانی و تعاون اجتماعی، جلوگیری از تکاثر ثروت در دست عده‌ای معدود، از طریق امور خیریه و وقف امکان‌پذیر است. افراد و واقفین تمایل دارند با شرکت در امورخیریه و وقف، درآمد را مجدداً در بین اعضای جامعه به نفع قشرهای کم درآمد توزیع کنند. این نیّت از رهگذر تأثیر در دو زمینه جامعه را به سمت توازن اجتماعی هدایت می‌کند؛ اثر درونی آن بر انسان خیّر در کمک به تزکیه‌ی نفس و زدودن تعلّقات مادی و روحیه‌ی مال‌اندوزی است و اثر بیرونی آن در کمک به کاهش فقر و محرومیت‌ها و جلوگیری از اختلافات شدید طبقاتی است که به طبع آن از طریق گسترش عدالت‌اجتماعی، اسباب تألیف قلوب انسان‌ها نسبت به یک‌دیگر را فراهم می‌کند (سلیمی فر، ۱۳۷۰: ۸).

علاوه بر این، تلقی برابرگرایانه و مساوات طلبانه خاص دوران مدرنیته است. متجددان بر خلاف قدما اصل را به برابری طبیعی همه انسان‌ها قرار داده‌اند و تفاوت‌های ظاهری، نژادی، قومی، قبیله‌ای و تعلقات اجتماعی، طبقه، گروه و صنف را وابسته به بحث عدالت ندانسته‌اند و به طور کلی تصور سلسله مراتبی و ارگانیک از جامعه را رد کرده‌اند. از منظر اندیشمندان مدرن همه انسان‌ها از یک سلسله حقوق طبیعی یا فطری مانند حق حیات، حق مالکیت، حق آزادی و شیوه‌ی زندگی و ... برخوردارند که حتی مقدم بر ورود آن‌ها به جامعه است (کارکنان نصرآبادی و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۷۴). در این راستا، جان راولز[1] در رابطه با عدالت اجتماعی از دو اصل نام می‌برد؛ این دو اصل عبارتند از: هر شخصی باید حق برابر نسبت به گسترده‌ترین نظام جامع آزادی‌های اساسی برابر داشته باشد که با نظام مشابه آزادی برای همگان منافاتی نداشته باشد و نیز نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی باید چنان سامان یابند که هر دوی آن‌ها بیش‌ترین نفع را برای محروم‌ترین افراد داشته باشد و به مناصب و مشاغلی متصل باشند که شرایط منصفانه و برابر از نظر فرصت را به روی همه گشوده باشند (هزار جریبی، ۱۳۹۰: ۵۰). در مجموع رابطه بین برابری و نابرابری در عرصه‌ی اجتماعی بسیار حائز اهمیت است. نابرابری اجتماعی از جمله واقعیت‌های اجتماعی در زندگی انسان‌ها در طول قرن‌های متمادی است و برابری اجتماعی دلالت بر ارزش‌ها و مطلوبیت‌های انسانی دارد که به منظور تحقق آن تلاش‌های بسیاری صورت گرفته است.

[1] JohnRawls

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

علاوه بر مباحث فوق در این مطالعه، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و نیز تعهد و تعلق اجتماعی به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی مورد توجه قرارگرفته‌اند.از دیدگاه بسیاری از دانشمندان رویکرد ساختی-کارکردی، انسجام اجتماعی پایه‌ی نظم اجتماعی را تشکیل داده است و گسترش زمینه‌های وفاق و هم‌بستگی، موجبات فعالیت و مشارکت گسترده‌ی افراد جامعه را فراهم می‌آورد. امیل دورکیم از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان مبحث انسجام اجتماعی است (دورکیم، ۱۳۶۹: ۲۷). دورکیم، به نقش هم‌بستگی اجتماعی در گسترش و تقویت ارتباطات اجتماعی اشاره کرده و معتقد است هرجا هم‌بستگی اجتماعی نیرومند باشد عامل نیرومندی در نزدیک کردن افراد به هم خواهد بود و باعث تشدید تماس‌های آنان و بیش‌ترکردن فرصت‌های ارتباطشان با یک‌دیگر خواهد شد. به عبارت دیگر هر چه اعضای یک جامعه هم‌بسته‌تر باشند، روابط گوناگون خود را با یک‌دیگر یا در حالت دسته جمعی با گروه بیش‌تر حفظ می‌کنند (آبراهامز، ۱۳۶۹ : ۱۹۶). با توجه به این رویکرد، میزان انسجام اجتماعی موجود در بین افراد یک جامعه می تواند در میزان مشارکت آنان در امور خیریه به ویژه وقف تأثیر گذار باشد. چرا که اگر حس هم‌دلی و یکی بودن در بین مردم قوی باشد، آنان بیش‌تر تمایل دارند تا برای رفع مشکلات یک‌دیگر در امور خیریه و داوطلبانه به ویژه وقف، شرکت کرده و به حل مشکلات جامعه کمک نمایند.

در بُعد اعتماد اجتماعی نیز، فوکویاما معتقد است که کاهش سطح تعهدات اجتماعی، پایین آمدن میزان مشارکت‌های اجتماعی و افزایش آسیب های اجتماعی، معلول کاهش سطح سرمایه‌ی اجتماعی است که در پی آن کاهش سطح اعتماد اجتماعی مردم نسبت به یک‌دیگر را به دنبال دارد (وحیدا و دیگران، ۱۳۸۲: ۶۲). هانتیگتون نیز به رابطه‌ی بین اعتماد و مشارکت توجه کرده و معتقد است اعتماد به یک‌دیگر، از عوامل مؤثر بر میزان مشارکت محسوب می‌شود (یزدان پناه و صمدیان، ۱۳۸۷: ۱۳۱). نیوتن اعتماد را این باور در فرد تعریف می‌کند که دیگران، در بدترین شرایط، آگاهانه و عامدانه آسیبی به او نمی‌رسانند؛ و در بهترین شرایط، به نفع او عمل می‌کنند. با اعتماد، روابط اجتماعی محکم و صلح آمیز حفظ می‌شود، که این ها به نوبه‌ی خود، پایه و اساس رفتارهای جمعی و همکاری‌های سازنده است (علی‌پور و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۰؛ به نقل از نیوتن، ۲۰۰۱:۲۰۲). امروزه بیش‌ترین توافق در این زمینه وجود دارد که اعتماد مؤلفه‌ای ضروری در انواع روابط اجتماعی است. از این رو اعتماد را می‌توان یکی از عناصر مهم و حیاتی در امر مشارکت تلقی کرد. اعتماد افراد به هم، اعتماد افراد به نهادها و دولت و به عکس، یعنی اعتماد دولت به

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

شهروندان، سبب توسعه و تعمیق مشارکت‌های اجتماعی می‌شود. اهمیت اعتماد اجتماعی از آن جهت مورد توجه است که این متغیّر با بسیاری از متغیّرهای موجود در جامعه‌ی مدنی از جمله مشارکت دارای هم‌بستگی است. مشارکت اجتماعی و عضویت داوطلبانه در سازمان‌های غیر دولتی و انجمن‌های داوطلبانه از جمله پیامدهایی هستند که می‌توان انتظار داشت در شرایط وجود اعتماد اجتماعی بالا، زمینه‌ی مناسب‌تری برای تحقق پیدا می‌کنند (علی‌پور و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۰ و۱۱۱).

همان‌طور که اشاره شد، در این مطالعه، عنصر تعلق و تعهد اجتماعی نیز از مؤلفه‌های مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی محسوب می‌شوند. کلمن (۱۹۸۸) از «احساس تعهد» و «اعتماد» به عنوان دو عنصر اصلی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی یاد می‌کند. از نظر کلمن، سرمایه‌ی اجتماعی منبعی است که می‌تواند سطح روابط فردی را به سطح روابط اجتماعی ارتقا دهد. او از اعتماد، اختیار، تعهدات و انتظارات و هنجارها به عنوان عناصر سرمایه‌ی اجتماعی یاد می‌کند (وحیدا و دیگران، ۱۳۸۲: ۶۸). بر این اساس، شهروند در قبال برپاشدن عدالت در شهرش، مسؤولیت و وظایفی را بر عهده دارد که خود را متعهد به انجام آن وظایف می‌داند. این احساس تعهد در فرد باعث ارتقای روابط فردی شهروند به سطح روابط اجتماعی می‌شود و حضور او در عرصه‌های اجتماعی و مشارکت اجتماعی را گسترس می‌دهد.

رابرت پانتام نیز به تبع کلمن، سرمایه‌ی اجتماعی را به عنوان سازمانی اجتماعی می‌داند که مشتمل بر شبکه‌ای از روابط و تعاملات توأم با آگاهی و اعتماد اجتماعی است (گنجی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۹). تأکید پانتام بر «احساس تعلق» و «تعاملات اجتماعی» به عنوان دو عنصر اصلی دیگر در مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی است (وحیدا و دیگران، ۱۳۸۲: ۶۵). وی سرمایه‌ی اجتماعی را اساس اعتبار جامعه می‌داند که از طریق اعتماد سازی، مردم را به تعلقات اجتماعی برای رسیدن به اهداف مشخص ترغیب می‌کند. پانتام عناصر اساسی سرمایه‌ی اجتماعی را احساس تعلق و تعاملات اجتماعی می‌داند (گنجی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۹). با توجه به این رویکرد، احساس تعلق اجتماعی در شهروندان نوعی سرمایه‌ی اجتماعی محسوب می‌شود و در صورتی که این احساس تعلق در بین شهروندان قوی باشد، باعث می‌شود تا شهروندان برای توسعه و پیشرفت شهرشان، در سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و غیر دولتی، به صورت داوطلبانه در حد توان خود مشارکت نمایند.

بنابراین، نیکوکاری به عنوان یک رفتار اجتماعی مطلوب یکی از مؤلفه‌ها و عناصر مهم نظام فرهنگی هر جامعه می‌باشد که در دین اسلام نیز به آن توجه زیادی شده‌است. بر این مبنا، لزوم

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

توجه و مطالعه‌ی آن قابل تأمل است. هر جامعه‌ای برای تسهیل مسیر توسعه‌ی اجتماعی و فرهنگی خود باید عناصر و مؤلفه‌های تأثیرگذار خود را بیابد تا با تقویت آن در جامعه بتواند به اهداف مشخص نظام اجتماعی خود دست یابد. بنابراین، بیان اثرگذاری و نتایج مثبت نیکوکاری در جامعه به افزایش و ترویج این عمل در جامعه می‌انجامد. انسان‌ها با درک این نکته که نیکوکاری چه بازخوردی برای جامعه به طور عام و خودشان به‌طور خاص دارد، به انجام این عمل ترغیب می‌گردند (گنجی و الماسی بیدگلی، ۱۳۹۱: ۹۳۱). از سوی دیگر، مسؤولان نیز با توجه به شناخت زمینه‌ی‌ها و عوامل اثرگذار بر گسترش و ترویج نیکوکاری، می‌توانند برنامه‌ریزی‌های مناسبی را بر مبنای این تحقیق به طور خاص و تحقیقات دیگر به طورعام، صورت دهند. بر اساس رویکردهای نظری و نتایج پژوهش‌های محققین، فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر مطرح شده است:

۱. هرچه میزان دینداری افراد افزایش یابد، میزان مشارکت آن‌ها درامورخیریه و وقف نیز افزایش می‌یابد.

۲. هرچه افراد یک جامعه عدالت خواه تر باشند، در امور خیریه و وقف بیش‌تر مشارکت می‌کنند.

۳. هرچه افراد یک جامعه با هم منسجم تر باشند، میزان شرکت آن‌ها در امور خیریه و وقف نیز بیش‌تر می‌شود.

۴. بین میزان اعتماد اجتماعی افراد و میزان مشارکت آنان در امور خیریه و وقف رابطه وجود دارد.

۵. بین میزان تعلق اجتماعی افراد و میزان مشارکت آنان در امور خیریه و وقف رابطه وجود دارد.

۶. بین میزان تعهد اجتماعی افراد و میزان مشارکت آنان در امور خیریه و وقف رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

این پژوهش با روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه انجام گرفته است که بر اساس آمار موجود در مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵ در حدود ۷۷۳۵۷ نفر است. با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، تعداد حجم نمونه در پژوهش حاضر ۲۶۳ نفر و روش توزیع پرسش‌نامه به صورت سهمیه‌ای است. بر این اساس شهر کاشان به شش منطقه تقسیم شده و پرسش‌نامه‌ها به تعداد مساوی بین هر شش منطقه پخش شده است.

اعتبار پژوهش حاضر از نوع اعتبار صوری است. بدین صورت که پرسش‌نامه پس از تدوین در اختیار متخصصان و استادان جامعه شناسی قرار گرفت و نکات اصلاحی آن‌ها در پرسش‌نامه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

منظور شده و اعتبار سؤالات پرسش‌نامه مورد تأیید قرار گرفته‌است. روایی نیز که به بررسی قابلیت تکرار پذیری ابزار تحقیق می‌پردازد با استفاده از آلفای کرونباخ به دست آمده است. ضرایب به دست آمده بیان کننده‌ی میزان روایی مناسب تک تک مفاهیم تحقیق است.

جدول شماره‌ی یک- میزان ضریب آلفای کرونباخ

مفاهیم	ضریب آلفا	تعداد گویه
۱. مشارکت در امور خیریه و وقف	۰/۹۰	۱۶
۲. دینداری	۰/۸۶	۱۰
۳. روحیه عدالت‌خواهی	۰/۷۶	۶
۴. انسجام‌اجتماعی	۰/۶۰	۸
۵. اعتماداجتماعی	۰/۷۱	۱۰
۶. تعلق اجتماعی	۰/۸۷	۷
۷. تعهد اجتماعی	۰/۷۱	۷

یافته‌های پژوهش

الف) یافته های توصیفی

از تعداد ۲۶۳ نفر نمونه‌ی انتخاب شده در پژوهش حاضر، ۱۱۷ نفر (۴۴/۵ درصد) زن و ۱۴۶ نفر (۵۵/۵ درصد) مرد، هم‌چنین ۶۵ نفر (۲۴/۹درصد) افراد زیر دیپلم، ۱۰۷ نفر (۴۱ درصد) دیپلم و فوق دیپلم، ۷۷ نفر (۲۹/۵ درصد) لیسانس، ۱۲ نفر (۴/۶ درصد) فوق لیسانس و بالاتر هستند. هم‌چنین ۳۵/۲ درصد افراد دارای شغل آزاد، ۲۳/۸ درصد شغل دولتی، ۹/۵ درصد شغل خصوصی، ۴/۳درصد بازنشسته، ۲۶/۲ درصد خانه دار و ۱ درصد بی‌کار هستند. حداقل سن پاسخ گو در این نمونه ۳۴ سال و حداکثر سن ۷۰ سال است. میانگین درآمد در نمونه‌ی انتخاب شده هشت صد هزار تومان و میانگین هزینه‌ی خانوار در این نمونه هفت صد و نود هزار تومان است.

همان طور که از اطلاعات جدول شماره‌ی دو برمی‌آید، متغیّرهای پژوهش حاضر شامل: مشارکت در امور خیریه، دین‌داری، روحیه‌ی عدالت خواهی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تعلق اجتماعی و تعهد اجتماعی است که هر کدام از طریق گویه‌های خاص خود سنجیده شده‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

جدول شماره‌ی دو- توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان به مفاهیم تحقیق

نام متغیّر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
مشارکت در امور خیریه و وقف	۲/۷۷	۰/۴۵	۱	۴
دینداری	۳/۳۴	۰/۴۰	۱	۴
روحیه‌ی عدالت‌خواهی	۲/۸۰	۰/۵۹	۱	۴
انسجام‌اجتماعی	۳/۴۰	۰/۴۱	۱	۴
اعتماداجتماعی	۲/۷۱	۰/۴۹	۱	۴
تعلق اجتماعی	۳/۳۸	۰/۵۰	۱	۴
تعهد اجتماعی	۳/۳۴	۰/۴۳	۱	۴

با توجه به جدول شماره‌ی دو، میانگین مفهوم مشارکت در امور خیریه، به عنوان متغیّر وابسته در این تحقیق، در دامنه‌ی تغییرات۱-۴، ۲/۷۷ است که نشان دهنده‌ی آن است میزان مشارکت در امور خیریه در جامعه‌ی آماری مورد مطالعه بالاتر از حد متوسط است. از سوی دیگر اطلاعات نشان می‌دهند، میانگین دینداری ۳/۳۴، میانگین عدالت‌خواهی ۲/۸۰، میانگین انسجام اجتماعی ۳/۴۰، میانگین اعتماد اجتماعی ۲/۷۱، میانگین تعلق اجتماعی ۳/۳۸ و میانگین تعهد اجتماعی ۳/۳۴ می باشند. مقادیر میانگین این متغیّرها نشان می‌دهد که میزان کل این مفاهیم در جامعه‌ی آماری مورد مطالعه در دامنه تغییرات ۱-۴، بالاتر از حد متوسط است که در بین آن‌ها متغیّر تعلق شهروندی بیش‌ترین میانگین را به خود اختصاص داده‌است. در بین گویه‌های مطرح شده مرتبط با متغیّر مشارکت در امور خیریه در پرسش‌نامه، گویه‌ی «کمک به مستمندان در هنگام جمع‌آوری پول»، در رابطه با گویه‌های متغیّر دین‌داری، گویه‌ی «اعتقاد به سنت و سیره‌ی امامان به عنوان حلاّل مشکلات»، در بین گویه‌های روحیه‌ی عدالت خواهی، گویه‌ی «رعایت حق تقدم در پاسخ‌گویی به ارباب رجوعان در صورتی که کارمند باشم»، در زمینه‌ی انسجام اجتماعی، گویه‌ی «افتخار به ایرانی بودن در خارج از کشور»، در بین گویه‌های اعتماد اجتماعی، گویه‌ی «اعتماد به قول همکاری از جانب اطرافیان»، در بین گویه‌های تعلق شهروندی، گویه‌ی «احترام به آداب و رسوم شهر خود»، و بالاخره در بین گویه‌های تعهد شهروندی، گویه‌ی «پرداخت به موقع قبوض» بیش‌ترین میانگین را در بین پاسخ‌گویان به خود اختصاص داده‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

ب) یافته های تحلیلی

در این بخش، از طریق هم‌بستگی پیرسون رابطه متغیّرهای مستقل با میـزان مشـارکت در امـور خیریه سنجیده شده است. بعد از آن به بررسی رابطه‌ی متغیّرهای جنس، سن، تحصیلات، شـغل و درآمد با متغیّر وابسته تحقیق (مشارکت در امور خیریه) پرداختـه مـی‌شـود. عـلاوه بـر آن تحلیـل رگرسیون نیز متغیّرهایی که قادر به تبیین و پیش بینـی تغییـرات متغیّـر مشـارکت در امـور خیریـه هستند را معرفی خواهد کرد.

جدول شماره‌ی چهار- آزمون رابطه‌ی متغیّرهای مستقل تحقیق با متغیّر وابسته

متغیّر		دینداری	عدالت‌خواهی	انسجام اجتماعی	اعتماد اجتماعی	تعلق اجتماعی	تعهد اجتماعی
مشارکت درامور خیریه و وقف	پیرسون R	۰/۴۵	۰/۴۷	۰/۳۵	۰/۳۲	۰/۲۴	۰/۲۸
	معناداری sig	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

اطلاعات جدول شماره‌ی چهار نشان می‌دهد که بین میزان دینداری، روحیه‌ی عدالت خـواهی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تعلق اجتماعی و تعهد اجتمـاعی بـا میـزان مشـارکت در امـور خیریه و وقف رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. با این توضیح که، شهروندان معتقد به باورهـای مذهبی، تمایل بیش‌تری دارند تا کمک‌های خیریـه‌ی شـان را در اختیـار قشـرهای آسـیب پـذیر و معلولان قرار دهند (تأیید فرضیه شماره‌ی یک). شهروندانی که روحیه‌ی عدالت خـواهی در آن‌هـا قوی‌تر است، در امور خیریه به ویژه وقف نیز بیش‌تر مشارکت دارند (تأیید فرضیه‌ی شماره‌ی ۳).

هر چه اعضای جامعه، به طور خاص کاشان، منسجم‌تر و هم‌بسته‌تـر باشـند، روابـط گونـاگون خود را با یک‌دیگر یا درحالت دسته جمعی با گروه بیش‌تر حفظ می‌کنند و مشکلات هـم‌دیگـر را بهتر درک می‌کنند (تأیید فرضیه‌ی شماره‌ی ۳). هرچه میزان اعتماد شهروندان نسبت به هم بیش‌تـر باشد، تمایل بیش‌تری دارند تا برای رفع مشـکلات قشـرهای ضـعیف جامعـه در امـور داوطلبانـه شرکت کنند(تأیید فرضیه‌ی شماره‌ی۴). شهروندانی که نسبت به شهر محل سکونت خود احسـاس وابستگی و تعلق بیش‌تری دارند در زمینه‌ی امور خیریه نیز برای رفع مشکلات شهرشان، مشارکت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

بیش‌تری دارند (تأیید فرضیه‌ی شماره‌ی۵). و بالاخره، هر چه میزان تعهد فرد نسبت به شهر محل سکونت خود بیش‌تر باشد در امور داوطلبانه نیز بیش‌تر شرکت می‌کند (تأیید فرضیه‌ی شماره‌ی۶).

جدول شماره‌ی پنج- رابطه متغیّرهای زمینه‌ای (جنس، سن، تحصیلات، شغل، درآمد و هزینه) و مشارکت در امور خیریه

متغیّرها	نوع آزمون	سطح معناداری
جنس و مشارکت در امور خیریه و وقف	آزمونt	-۰/۳۷
سن و مشارکت در امور خیریه و وقف	پیرسون	۰/۶۱
تحصیلات و مشارکت در امور خیریه و وقف	اسپیرمن	۰/۳۴
شغل و مشارکت در امور خیریه و وقف	آزمونf	۰/۷۷
درآمد و مشارکت در امور خیریه و وقف	پیرسون	۰/۳۷
هزینه و مشارکت در امور خیریه و وقف	پیرسون	۰/۰۷

پس از تبیین رابطه بین متغیّرهای مستقل و متغیّر وابسته و تأیید رابطه بین آن‌ها از طریق آزمون هم‌بستگی که در بخش قبل نتایج آن را بیان کردیم، اکنون به بررسی رابطه بین متغیّرهای زمینه‌ای تحقیق با متغیّر مشارکت در امور خیریه می‌پردازیم. داده‌های به دست آمده در جدول شماره‌ی پنج نشان می‌دهد که رابطه‌ی معناداری بین متغیّر جنس و سن با متغیّر مشارکت در امور خیریه وجود ندارد. هم‌چنین اطلاعات جدول شماره‌ی پنج حاکی از عدم وجود رابطه بین پایگاه اجتماعی افراد (تحصیلات وشغل) و پایگاه اقتصادی (درآمد و هزینه) آنان با متغیّر مشارکت درامورخیریه و وقف است. به عبارت دیگر، با تغییر در هریک از این متغیّرها تغییری در میزان مشارکت درامورخیریه به ویژه وقف ملاحظه نمی‌شود. از آن‌جایی که در ابزار سنجش این تحقیق سوالاتی که از پاسخ‌گو پرسیده شده است بیش‌تر جنبه ذهنی فرد را در نظرگرفته و فرد را در موقعیت قرار داده است، شاید به این دلیل باشد که فرد برای انجام عمل خیرخواهانه وضعیت اجتماعی و اقتصادی خود را در نظر نگرفته و به خاطر دغدغه‌ای که خود در ذهن داشته است در پرسش‌نامه اظهار کرده که اگر در موقعیت قرار گیرد آن عمل خدا پسندانه را انجام می‌دهد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

تحلیل رگرسیونی

به منظور بررسی میزان تأثیر عوامل مؤثر بر مشارکت در امور خیریه از تحلیل رگرسیونی گام به گام استفاده شده است. بر این مبنا، شش متغیّر دین‌داری، عدالت خواهی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تعلق اجتماعی و تعهد اجتماعی، وارد معادله‌ی رگرسیونی گردیدند که در بین آن‌ها، سه متغیّر دین‌داری، روحیه‌ی عدالت‌خواهی و انسجام‌اجتماعی در معادله باقی مانده‌اند و سایر متغیّرها از معادله خارج و حذف گردیده‌اند. همان طور که جدول شماره‌ی شش نشان می‌دهد، سه متغیّر دین‌داری، روحیه‌ی عدالت‌خواهی و انسجام اجتماعی به میزان ۰/۳۵ درصد تغییرات متغیّر مشارکت در امور خیریه و وقف را تبیین می‌کنند.

جدول شماره‌ی شش- ضرایب متغیّرهای مستقل در شکل رگرسیونی به روش گام به گام

متغیّر	ضرایب خام		ضرایب استاندارد	T	Sig	ضریب تعیین
	B	Std. Error	Beta			
دینداری	۰/۳۰۹	۰/۰۶۵	۰/۲۷۳	۴/۷۵۸	۰/۰۰۰	۰/۳۵
روحیه‌ی عدالت‌خواهی	۰/۲۲۵	۰/۰۴۶	۰/۲۹۱	۴/۹۲۸	۰/۰۰۰	
انسجام‌اجتماعی	۰/۱۹۲	۰/۰۶۱	۰/۱۷۶	۳/۱۷۵	۰/۰۰۲	

بر اساس جدول شماره‌ی شش میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌ی دینداری (۰/۲۷۳)، مؤلفه‌ی روحیه‌ی عدالت‌خواهی (۰/۲۹۱) و مؤلفه‌ی انسجام‌اجتماعی (۰/۱۷۶) است. بنابراین با توجه به علامت ضرایب بتای به دست آمده که مثبت هستند، می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش مؤلفه‌های دین‌داری، روحیه‌ی عدالت‌خواهی، انسجام اجتماعی، میزان مشارکت در امور خیریه نیز در بین افراد افزایش می‌یابد. هم چنین، می‌توان گفت مؤلفه روحیه‌ی عدالت‌خواهی بالاترین اثر مستقیم و هم‌بستگی اجتماعی کمترین اثر را در بین متغیرهای مستقل معنی‌دار در مدل رگرسیونی، بر متغیّر مشارکت در امور خیریه دارد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

نتیجه گیری و پیشنهادها

انسان موجودی اجتماعی است که رشد و تکامل آن در گرو زندگی جمعی، تعاون و همکاری با دیگر هم‌نوعان قرار دارد.

جوامع انسانی اگرچه از نظر فرهنگی و اجتماعی بسیار متفاوت و گوناگون هستند اما نمی توانند بدون تعاون، همیاری و مشارکت افراد جامعه به حیات خود ادامه دهند. به همین دلیل در طول تاریخ، انسان‌ها کوشیده‌اند جهت حفظ بقای جامعه، ساز و کارهای مناسبی را برای همیاری و تعاون و مشارکت به وجود آورند.

در این راستا وقف را می‌توان عمومی‌ترین پدیده‌ی تعاون، همکاری و مشارکت بشری دانست که از قدیمی‌ترین دوره‌های تاریخی در جوامع مختلف وجود داشته است (صحرانوردواسدی، ۱۳۹۱: ۶۵۹). با توجه به اهمیت و پیچیدگی پدیده‌ی مشارکت مردمی و تعاون، بسیاری از عناصر و مؤلفه‌های موجود در جامعه بر مشارکت مردمی به ویژه مشارکت در امور خیریه و وقف مؤثر بوده است. این پژوهش به مطالعه و بررسی عناصراجتماعی و فرهنگی مؤثر بر پدیده مشارکت در امر نیکوکاری پرداخته‌است. در این ارتباط هر یک از عوامل مؤثر بر مشارکت در امور خیریه شامل دین‌داری، روحیه‌ی عدالت‌خواهی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تعلق اجتماعی و تعهد اجتماعی در بین شهروندان کاشانی مورد بررسی قرار گرفته و اثرات آن بر متغیّر مشارکت در امور خیریه سنجیده شده است.

با مقایسه‌ی میانگین متغیّرهای دین‌داری، روحیه‌ی عدالت‌خواهی، انسجام‌اجتماعی، اعتماداجتماعی، تعلق اجتماعی و تعهد اجتماعی در دامنه‌ی تغییرات۱-۴، این نکته مشخص می‌گردد که شهروندان کاشانی اعم از زنان و مردان، از لحاظ سطح دین‌داری میانگین۳/۳۴، سطح عدالت‌خواهی میانگین ۲/۸۰، انسجام اجتماعی میانگین ۳/۴۰ و اعتماد اجتماعی میانگین ۲/۷۱ و هم چنین میزان تعهد اجتماعی میانگین۳/۳۴ و تعلق اجتماعی میانگین ۳/۳۸ را به خود اختصاص داده اند. میانگین متغیّر وابسته تحقیق یعنی مشارکت در امور خیریه و وقف نیز در بین شهروندان کاشانی در دامنه‌ی تغییرات (۱-۴) ۲/۷۷می‌باشد. این آمار نشان می‌دهند که کاشانی‌ها در امور خیریه و داوطلبانه مشارکت نسبتاً مطلوبی دارند و این نتیجه با پژوهش گنجی و الماسی بیدگلی (۱۳۹۱) هم‌سو است.

در مجموع یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که با افزایش میزان دین‌داری، میزان مشارکت در امورخیریه نیز افزایش می‌یابد. از آن‌جا که از یک سو، باورهای مذهبی از عوامل تعیین کننده‌ی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

کنش‌های داوطلبانه و افزایش کمک‌های خیریه و بشردوستانه‌است و از سوی دیگر، شهر کاشان دارای پیشینه‌ی مذهبی و دینی اصیلی است، می‌توان در این جامعه انتظار داشت که با افزایش میزان دین‌داری، میزان انجام کارهای نیک نیز افزایش یابد. مطالعات نشان می دهد که نتیجه‌ی به دست آمده با پژوهش وانگ و گرادی (۲۰۰۸) هم‌سو است. از این رو آموزش و پرورش می‌تواند از طریق آموزش زمینه‌های مذهبیِ مشوّق مشارکت در امورخیریه، زمینه‌های ذهنی لازم را برای سوق دادن هزینه‌های مصرفی به سمت فعالیت‌های مشارکتی و وقف ایجاد کند. هم چنین در این راستا، مؤسسات مذهبی و مراجع دینی نیز می‌توانند در کنار آموزش و پرورش، با فعالیت‌های خود به افزایش سطح دین‌داری در جامعه و در نتیجه افزایش مشارکت در امورخیریه کمک نمایند.

از طرف دیگر، هرچه روحیه عدالت‌خواهی در افراد قوی تر باشد، در امورخیریه به ویژه وقف نیز بیش‌تر مشارکت دارند. نتیجه به دست آمده با پژوهش کارکنان نصرآبادی و همکارانش(۱۳۹۱) هم‌خوانی دارد. بنابراین افراد و خیّرین در جامعه‌ی آماری تمایل دارند تا با شرکت در امورخیریه و با وقف اموال خود به کاهش فواصل طبقاتی، رشد ثروت عمومی و تعدیل اقتصادی، رفاه همگانی و تعاون اجتماعی، جلوگیری از تکاثر ثروت در دست عده‌ای معدود کمک کنند. از این رو بایستی مؤسسات آموزشی در طی روند جامعه‌پذیرکردن افراد این روحیه را نیز در آن‌ها تقویت کنند تا شاهد افزایش مشارکت در امور خیریه از سوی آن‌ها باشند.

نتیجه‌ی دیگر این تحقیق نشان می‌دهد با افزایش انسجام اجتماعی بین افراد جامعه، میزان مشارکت آن‌ها در امورخیریه نیز افزایش می‌یابد. این نتیجه با نظر دورکیم هم‌سو است و می‌توان گفت هر چه اعضای جامعه منسجم‌تر و همبسته‌تر باشند، روابط گوناگون خود را با یک‌دیگر یا در حالت دسته جمعی با گروه بیش‌تر حفظ می‌کنند و مشکلات هم‌دیگر را بهتر درک می‌کنند. از این رو بایستی برنامه‌های آموزشی مناسب به شهروندان در زمینه‌های مختلف و ایجاد همدلی و هم‌بستگی بین آن‌ها ارائه شود. از این طریق می‌توان با معرفی مفاهیم مشترک به شهروندان، زمینه‌ی ایجاد همدلی و هم‌بستگی بین آن‌ها را فراهم آورد که در نهایت منجر به تسهیل مشارکت آنان در امور داوطلبانه و خیریه می شود که از این طریق بتوانند مشکلات جامعه را رفع نمایند.

در کنار انسجام اجتماعی، هر چه میزان اعتماد اجتماعی نیز در بین شهروندان کاشان بیش‌تر می‌شود آنان تمایل بیش‌تری دارند تا برای رفع مشکلات قشرهای ضعیف جامعه‌شان در امور داوطلبانه شرکت کنند. این نتیجه با نظر نیوتن و با پژوهش شریف‌زاده و صدقی(۱۳۸۸) هم‌سو می‌باشد. بر این اساس اداره‌ی اوقاف و امورخیریه می‌تواند با اطلاع رسانی شفاف در زمینه‌ی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

نحوه‌ی استفاده از سرمایه‌های اهدا شده و نمایش نتایج کار، این اعتماد را در سطح جامعه و در بین شهروندان ایجاد کند که کمک‌ها و مشارکت‌های مردمی‌در راستای نیّات خیرین و به درستی صرف می‌شود که با این عمل مردم به سمت انجام این امور گرایش پیدا می‌کنند.

در نهایت احساس شهروندی از یک سو، به افراد اجازه‌ی دخالت آگاهانه در سرنوشت خود و جامعه را می‌دهد و از سویی دیگر، این حق را برای جامعه قائل می‌شود که از اعضای خود انتظار داشته باشد حقوق دیگران را به رسمیت بشناسد. این امر با مشارکت آگاهانه، نقادانه و فعال آنان محقق خواهد شد. بنابراین شهروندانی که نسبت به شهر محل سکونت خود احساس تعلق بیش‌تری دارند در زمینه‌ی امورخیریه نیز مشارکت بیش‌تری دارند. نتیجه به دست آمده با نظر رابرت پانتام هم‌سو می‌باشد. هم چنین داده‌های به دست آمده وجود رابطه‌ی معنادار بین تعهد شهروندی و مشارکت در امورخیریه را تأیید می‌کند. این نتیجه با نظر کلمن(۱۹۸۸) هم‌سو است. از آن‌جایی که شهروندان کاشان طبق بررسی تجربی نسبت به شهر خود از میزان بالایی از تعلق و تعهد برخوردارند، برای بهتر شدن اوضاع شهرشان و برای رفع مشکلات در امور داوطلبانه در حد توان خود مشارکت می‌کنند. بر این اساس، شهرداری‌ها و فرمانداری و سایر ارگان‌ها و مسؤولین بایستی با انجام اقدامات شایسته و مناسب این حس تعلق و تعهد را در بین شهروندان تقویت کنند.

بنابراین، همان طور که قبلاً اشاره شد، مشارکت در امور خیریه و وقف به معنای مشارکت در امور شهر و یا کشور خود برای رفع کاستی‌های موجود است و از آن‌جا که مشارکت در امور خیریه و وقف تابعی از عوامل متعدد اجتماعی و فرهنگی است، این تحقیق با انجام بررسی‌های تجربی، برخی از این عوامل مؤثر بر مشارکت را شناسایی کرده و مورد سنجش قرار داده است که عبارتند از: دین‌داری، روحیه‌ی عدالت خواهی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تعلق اجتماعی و تعهد اجتماعی. هم چنین با مقایسه‌ی میانگین این متغیّرها در رنج ۱-۴، این نکته مشخص می‌شود که شهروندان کاشانی، از لحاظ سطح دینداری، عدالت خواهی، میزان اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی و هم چنین میزان تعلق و تعهد اجتماعی، نمرات بالایی را به خود اختصاص داده‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

فهرست منابع

۱. آبراهامز، جی‌اچ. (۱۳۶۹) ***مبانی ورشد جامعه شناسی***، ترجمه‌ی حسن پویان. جلد اول، تهران: انتشارات چاپخش.

۲. آغاز، محمدحسن (۱۳۸۱) «فرهنگ یاریگری و مشارکت در ایران»، ***مجموعه مقالات دولت، مردم و همگرایی***، با تدوین محسن فردرو و اصغر رضوانی، تهران: انتشارات آن، ۲۲۵-۲۵۴.

۳. دورکیم، امیل (۱۳۶۹) ***درباره‌ی تقسیم کار اجتماعی***، ترجمه‌ی باقر پرهام، تهران: انتشارات کتابسرای بابل.

۴. رحیمی، حمید و یزدخواستی، علی (۱۳۹۱) «*جایگاه* فرهنگ در آموزه های دینی ما»، ***مجموعه مقالات همایش ملی وقف(با تأکید بر آموزش عالی)***، *دانشگاه کاشان*، ۳۱۵- ۳۳۴.

۵. سلیمی فر، مصطفی (۱۳۷۰) ***نگاهی به وقف و آثارر اقتصادی- اجتماعی آن***، چاپ اول، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

۶. شکاری، عباس(۱۳۹۱) «آثار فرهنگی و تربیتی وقف در اسلام و بسط دستاوردهای آن»، ***مجموعه مقالات همایش ملی وقف (با تأکید بر آموزش عالی)*** ، *دانشگاه کاشان*، ۵۵۷-۵۷۰.

۷. صحرانورد، بهنام و اسدی، بهراد(۱۳۹۱) «نقش وقف در توسعه و عدالت‌اجتماعی»، ***مجموعه مقالات همایش ملی وقف(با تأکید بر آموزش عالی)*** ، *دانشگاه کاشان*، ۶۲۵-۶۴۴.

۸. صدیقی ارفعی، فریبرز و همکاران (۱۳۹۱) «وقف؛ آسیب‌ها، چالش‌ها و راهکارها»، ***مجموعه مقالات همایش ملی وقف(با تأکید بر آموزش عالی)*** ، *دانشگاه کاشان*، ۶۱۹-۶۲۴.

۹. علی پور، پروین، زاهدی، محمد جواد و شیانی، ملیحه (۱۳۸۸) «اعتماد و مشارکت(بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران)»، ***مجله‌ی جامعه شناسی ایران***، دوره‌ی دهم (شماره‌ی۲).

۱۰. قرآن کریم

۱۱. قرائتی، حامد(۱۳۸۸) «تاریخ اجتماعی کاشان باتکیه بر یافته‌های قبرستان ملامحسن فیض کاشانی»، ***سخن تاریخ*** (شماره هفتم).

۱۲. کارکنان نصرآبادی، محمد، علیمردان، ناصر و آقا محسنی، مریم (۱۳۹۱)« وقف و تحقیق عدالت اقتصادی و اجتماعی»، ***مجموعه مقالات همایش ملی وقف (با تأکید بر آموزش عالی)*** ،*دانشگاه کاشان*، ۸۵۳-۸۷۰.

۱۳. گنجی، محمد و الماسی بیدگلی، احسان (۱۳۹۱) «تبیین وضعیت نیکوکاری در بین شهروندان کاشان»، ***مجموعه مقالات همایش ملی وقف (با تأکید بر آموزش عالی)*** ، *دانشگاه کاشان*، ۹۰۷-۹۳۴.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

۱۴. گنجی، محمد، نعمت اللهی، زهرا و طاهری، زهرا (۱۳۸۹) «رابطه هویت دینی و سرمایه‌ی اجتماعی در بین مردم شهر کاشان»، ***جامعه شناسی کاربردی***، سال ۲۱ (شماره‌ی۴).

۱۵. مسجد جامعی، احمد(۱۳۷۷) «مشارکت فرهنگی و فرهنگ مشارکت»، ***مجله‌ی پیوند***، پنجمین کنگره‌ی سراسری انجمن‌های اولیا و مربیان کشور.

۱۶. ناصحی، مهدی و شادپی، محبوبه (۱۳۸۷) **بانک وقف پول، فرصت ها و چالش ها**، ***وقف و تمدن اسلامی***، ج ۲، تهران: انتشارات اسوه، ۱۳۷-۱۶۰.

۱۷. نیازی، محسن، گنجی، محمد و عسگری، اسما (۱۳۹۱) «تأثیر میزان پایبندی به ارزش‌ها بر مشارکت پاسخ‌گویان در امور خیریه»، ***مجموعه مقالات همایش ملی وقف (با تأکید بر آموزش عالی)*** ، *دانشگاه کاشان، ۹۳۵-۹۵۲.*

۱۸. وحیدا، فریدون، کلانتری، صمد و فاتحی، ابوالقاسم (۱۳۸۲) «رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با هویت اجتماعی دانشجویان»، ***مجله‌ی پژوهشی دانشگاه اصفهان***، (شماره‌ی۲)، ۵۹-۹۲.

۱۹. هزار جریبی، جعفر (۱۳۹۰) «بررسی احساس عدالت اجتماعی و عومال مؤثر بر آن(مطالعه موردی شهر تهران)» ، ***جامعه شناسی کاربردی***، سال بیست و دوم(شماره‌ی۳).

۲۰. یزدان پناه، لیلا و صمدیان، فاطمه (۱۳۸۷) «تأثیر ویژگی‌های فردی و اجتماعی بر مشارکت اجتماعی زنان کرمانی»، ***مطالعات زنان***، سال ۶ (شماره‌ی۲)، ۱۲۷-۱۴۹.

21. Alvord Sarah H and Brown L. David and Letts Christine W (2004) «**Social Entrepreneurship and Societal Transformation**» The Journal of Applied Behavioral Science, Vol. 40, No. 3 .

22. Berger Ida E (2006). «**The Influence of Religion on Philanthropy in Canada**». Voluntas: International journal of valentery and nonprofit organizations. Volume17. Issue2. pp110-127.

23. Britto sarah, Van Slyke David and Francis Teresa I(2011). «**The RoleThe Role of Fear of Crime in Donating and Volunteering (A Gendered Analysis)** », Criminal justice review. Vol. 36. No. 4 . pp414-434 .

24. Newton, Kenneth, Tust, «**Social Capital, Civil Society and Democracy**», International Political Science Review(2001), vol 22, No. 2, 201-214.

25. Jackson. E(etal)(1995). «**Volunteering and Charitable Giving: Do Religious and Associational Ties Promote Helping Behavior?**». Nonprofit and voluntary sector. Vol24, no1, pp59-78.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

26. Wang Lili and Graddy Elizabeth (2008) «**Social Capital, Volunteering, and Charitable Giving**» Voluntas 19.

27. Salamon. Lester M and Anheier Helmut K. (1997 «**The Third World's Third Sector in Comparative Perspective**» The Johns Hopkins University Institute for Policy Studies, All Rights Reserved.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]